

بخش اول

مقاله‌ها و گزارشها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمایه‌سازی متون دینی

محمد مرادی*

نمایه و نمایه‌سازی

نمایه / Index اسم مصدر و به معنای «نمایاندن و نمایش دادن» آمده و در صورتی که به معنای «نمونه و مانند»^۱ باشد، اسمی است برای چیزی که نمونه چیز دیگری است. این واژه است. نمایه با ترکیب و اصطلاح «نمایه‌سازی» به دانش و یا فنی گفته می‌شود که با آن، مفاهیم معنادار یک متن به صورت دقیق و ریز استخراج و سیاهه می‌شود. نمایه‌سازی را ثبت و ضبط محتوای اطلاعاتی مدارک با استفاده از روشهای گوناگون به منظور سامان دادن اطلاعات به قصد سهولت بازیابی معنا کرده‌اند.^۲ نمایه‌سازی ایجاد ارتباط و هم‌زمانی هر چه بیشتر میان تولیدکنندگان از یک طرف و استفاده‌کنندگان و کاربران از طرف دیگر هم معنا شده است؛ یعنی اطلاع‌رسانان با بهره‌گیری از نمایه‌سازی، اطلاعات مدارک را با سؤالها و خواستههای جست‌وجوگران انطباق می‌دهند و در اختیار کاربران قرار می‌دهند. به تعبیر دیگر، نمایه‌سازی، ذخیره‌سازی اطلاعات با هدف دستیابی به جامعیت و مانعیت آنهاست و می‌توان این دانش را تلاشی برای بازیابی دقیق اطلاعات دانست.

این فن و یا دانش، از موضوعات علم اطلاع‌رسانی / Information Science و یا کتابداری / Library Science به شمار می‌رود و نقش آن هادی و واسطه بودن است.

منشأ پیدایش علم نوین نمایه‌سازی و اطلاع‌رسانی را انفجار اطلاعات و یا به تعبیری، انفجار انتشارات دانسته‌اند. آنگاه که اطلاعات و تولیدات نوشتاری رو به تزاید گذاشت و انبوهی از کتاب و نشریات به چاپ سپرده شد، دانشوران بر آن شدند که برای طبقه‌بندی و رده‌بندی آنها چاره‌اندیشی

* محمد مرادی دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه است. هم‌اکنون ضمن تألیف و تحقیق در مرکز تحقیقات دارالحدیث و کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی، در دانشگاه قم نیز، در رشته فلسفه و کلام به تدریس اشتغال دارد. از وی تاکنون کتابها و مقاله‌هایی در علوم قرآنی و روشهای تفسیر و فن نمایه‌سازی چاپ و منتشر شده است.

کنند. به علاوه، موضوعات و مطالب مدارک را به گونه‌ای دقیق در واژه‌هایی بر گرفته از آنها و با ویژگی شناخته شده بودن، و در قالب سیستمی منطقی اطلاع‌رسانی و در اختیار کاربران قرار دهند. البته، عامل زمان نیز در این علم نوین تأثیرگذار بود. به حداقل رساندن زمان جست‌وجوی اطلاعات و منابع مورد درخواست، از انگیزه‌های بنیادین این دانش به حساب می‌آید. از جمله دستاوردهای دوره انفجار انتشارات، پایه‌گذاری فهرست‌بندی علمی و به تعبیر دیگر، نمایه‌سازی مدارک و اطلاعات بود.

به هر حال، بر اساس این دانش، داده‌های علمی یک مدرک و موضوعات معنایی یک سند و متن، نمایه‌سازی می‌شود و نمایه‌های استخراج شده، ابتدا، بر اساس اصطلاح‌نامه‌های مربوط ارزیابی و طبقه‌بندی می‌شود و در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. هدف چنین تلاشی، بازیابی مدارک و رکوردهای مفاهیم به کار رفته در یک مدرک و یا متن است. کسانی که در پی به دست آوردن مفاهیم معنادار یک متن به منظور کاربرد علمی هستند، با مراجعه به چنین فهرست‌واره‌هایی به راحتی به خواست خود می‌رسند. نیز کسانی که در پی به دست آوردن میزان استفاده از یک مفهوم در یک متن هستند، نمایه‌ها بهترین و یا یگانه راه رسیدن به هدف یاد شده است. این دانش به کاربران کمک می‌کند که به آسانی به خواسته‌ها و اطلاعات مورد نظر خود از یک متن و مدرک برسند. اگر ما در پی تحقق این هدف نباشیم، حداقل فایده نمایه‌سازی و طبقه‌بندی اطلاعات این است که با کمترین زمان و هزینه، می‌توان به اطلاعات درخواستی دست یافت؛ به ویژه این امر در زمانی که تولیدات نوشتاری رو به افزایش گذارده و انتشار مطالب گسترده شده است، این امر از اهمیت در خور توجهی برخوردار است و نقش بسیار کارساز دارد.

استفاده از دانش و یا فن نمایه‌سازی، به دلیل فراوانی داده‌های نوشتاری در زمینه‌های گوناگون، در عصر انفجار انتشارات، یک ضرورت به حساب می‌آید. گسترش دامنه علوم در همه عرصه‌ها باعث شده که پژوهشگران و علاقه‌مندان به مقاله‌ها و مقوله‌های علمی، به راحتی نتوانند خواسته‌های خود را از لابه‌لای منابع و صفحات کتابها به دست آورند.

با توجه به حجم حجیم منابع نوشتاری و داده‌ها، دستیابی به همه اطلاعات و نوشتارها در یک زمینه، به یکی از دو راه زیر ممکن است:

۱. مطالعه همه نوشته‌ها و منابع، و استخراج اطلاعات مورد نیاز؛ که در عمل چنین پژوهشی بسیار پر هزینه و وقت‌گیر و امکان‌پذیر نیست.

۲. استفاده از نمایه‌سازی فنی منابع و مآخذ از سوی کارشناسان و متخصصان و در اختیار قرار دادن نمایه‌ها؛ که به سرعت قابل بازیابی‌اند.

دانش نمایه‌سازی امروزه در علوم گوناگون کاربرد دارد و جایگاهی ویژه در عرصه اطلاع‌رسانی پیدا کرده است. برای نمونه، نمایه شدن مفاهیم در علوم زیر را می‌توان نمونه‌ای از همگانی شدن نمایه‌سازی در عرصه‌های گوناگون دانست:

۱. نمایه‌های مدارک غیر کتابی موجود در مرکز اسناد و مدارک علمی ایران که تا کنون چند جلد آن به چاپ رسیده است.^۳
۲. نمایه‌سازی همارا با تأکید بر علوم هسته‌ای که در آن علاوه بر ارائه توضیحاتی در زمینه نمایه‌سازی، نمایه‌های علوم هسته‌ای نیز، ارائه شده است.^۴
۳. نمایه‌های اسفار اربعه ملاصدرا در حکمت متعالیه. که از سوی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی تهیه شده است.
۴. نمایه‌های دانشنامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛ کتابی در باره امام علی بن ابی طالب (ع). نمایه‌های این دانشنامه که دارای هزاران موضوع است در یک جلد به صورت الفبایی تدوین گردیده است.^۵
۵. نمایه‌های صحیفه امام خمینی که شامل دو نمایه موضوعات و اعلام است، و در یک جلد به صورت الفبایی تدوین شده است. این نمایه‌ها کلیه اسناد و مدارک و سخنان و پیامها و اطلاعاتها و نامه‌ها را در بر می‌گیرد.^۶
۶. نمایه‌های تاریخ تمدن ویل دورانت.
۷. نمایه‌های منابع اسلامی که از سوی پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا) انجام گرفته و تا کنون چند جلد از نمایه‌ها و کتاب‌شناسی آنها با نام مرجع چاپ و منتشر شده است.^۷

اهمیت و ضرورت نمایه‌سازی منابع دینی

نمایه‌سازی منابع دینی، به معنای فهرست برداری دقیق از منابع دست اول دینی است. منابع دینی، آن دسته از کتابها و نوشته‌هایی هستند که از سوی خداوند نازل شده و دریافت‌کنندگان وحی و رهبران معصوم آن را بازگو کرده‌اند، این منابع مجموعه اعتقادات و شریعت یک دین را تشکیل می‌دهند. منابع دینی ویژگی‌هایی دارند که آنها را از سایر نوشته‌ها ممتاز می‌کند:

۱. قداست؛
۲. ساختار ویژه‌ای دارند؛ به گونه‌ای که در عین عرفی بودن فهم آنها، می‌توان آنها را دارای زبانی خاص معرفی کرد؛
۳. دارای آموزه‌هایی هستند که فهم دقیق و عمیقشان، به تفسیر و گاه به تأویل نیاز دارد؛
۴. پیام همگانی دارند و مخاطبشان عده‌ای خاصی از انسانها نیستند؛
۵. گستره بسیاری از معارف را در بر می‌گیرند و در حوزه خاصی سخن نمی‌گویند و در عین حال هدف اولیه آنها، رساندن انسانها به ساختی قدسی است.

این منابع همواره مورد توجه توده‌های مردم و مراجعه خوانندگان و صاحب نظران است. از این‌رو، پیرامون چنین منابعی، اطلاعات فراوانی تولید می‌شود و برداشت و تفسیر بخشهایی از آنها بر اساس فهمهای گوناگون متفاوت و به نسبت تحولات، در حال تغییر است. گذشت زمان این برداشتها را هرچه

بیشتر و متحول‌تر می‌کند. برداشتها و تفسیر منابع دینی به گونه‌ای است که اگر پژوهشگران بخواهند در باره مفهومی از مفاهیم دینی تحقیق کنند، باید همه آنچه را که در باره آن مفهوم نوشته شده مطالعه نمایند، تا به ابعاد آن دست یابند و بتوانند به حقیقت آن برسند. بی‌توجهی به این مهم، هر نوع اظهار نظر را در باره یک مفهوم دینی مشکل می‌کند. از این‌رو، باید برای دست یافتن به همه دیدگاهها و معانی و تفسیر یک متن، تلاش فراوان صورت گیرد؛ زیرا:

۱. دایره دین‌پژوهی وسیع و گسترده است؛ به گونه‌ای که دست یافتن یک پژوهشگر بدون بهره‌گیری از امکانات نرم‌افزاری، به همه تولیدات در این عرصه ناممکن است. زرکشی تنها در باره انواع آیات قرآن نوشته است:

«هیچ گونه‌ای از انواع آیات قرآن نیست، جز اینکه یک نفر باید تمامی عمر خود را برای آن صرف کند، و سرانجام هم کار استواری نخواهد شد».^۱

واقعیت این است که پژوهش در زمینه مسائل دینی و اظهار نظر در باره آن با توجه به وجود مفاهیم تأویلی و نیز قرائتهای گوناگون از آن، با دشواری همراه است. برای پی بردن به نظریات و دیدگاه دین‌پژوهان و گزینش بهترین آنها و یا راه بردن به برداشتهای خارج از چارچوبهای شناخته شده و درست، راهی جز این وجود ندارد که آنها به دقت جمع‌آوری و در کنار هم قرار داده شوند و این راهی جز نمایه‌سازی و طبقه‌بندی ندارد. افزون بر این، طول زمانی را که پژوهش در پیرامون مفاهیم دینی آغاز شده و در لابه‌لای کتابخانه‌ها مانده و هر روز صدها منبع دیگر بر آنها افزوده می‌شود. به راستی برای اینکه بتوانیم اندیشه درست دینی ناظر به همه اندیشه‌های مطرح را در باره مفاهیم دینی با همه گستردگی آنها را طرح شود چگونه امکان‌پذیر خواهد بود؟

۲. ضرورت انجام یک پژوهش و جامعیت آن، بستگی به این دارد که اولاً آن پژوهش پیشتر انجام نشده باشد و دوم اینکه ناظر به دیدگاههایی باشد که در این پژوهش تأثیرگذارند. بنابراین، برای یافتن پیشینه اطلاعات آنها چاره‌ای جز طبقه بندی در چارچوبی شناخته شده وجود ندارد.

۳. به وجود آمدن سؤالیهای فراوان و ایجاد شبهه در باره مفاهیم دینی و یا وجود انگیزه‌هایی برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در باره حقایق و جوهر دین، باعث گردیده که برای دست یافتن به پاسخ آنها، به منابع اصلی دینی مراجعه شود و گستردگی آنها انجام آن را مشکل کرده است.

۴. تحولات چشمگیری در باره فهم مفاهیم دینی رخ داده که باید دین‌پژوهان در پژوهشهای خود به آنها توجه کنند.

۵. راه به دست آوردن بسامدی و کثرت اطلاعات از مفاهیم دینی و کسب اطلاعات، از طریق به دست آوردن میزان پرداخته شدن به یک موضوع است.

۶. گزینش موضوعات با بسامدی لازم، در گرو گردآوری همه ابعاد مفاهیم دینی است.

۷. مفاهیم دینی، موضوعاتی عمومی هستند و همگان با آنها سر و کار دارند و کمتر کسی است که از آن بی‌نیاز باشد. اگر حوزه فهم دینی امری تخصصی دانسته شود، ولی حوزه کاربرد آن، در انحصار گروهی خاص و طایفه ویژه‌ای قرار نمی‌گیرد و همگان با آن سر و کار دارند. جویندگان فراوانی در صدد هستند تا خواسته‌های خود را از منابع اصلی به دست آورند. بنابراین، جویندگان دقیق اطلاعات دینی باید بتوانند از طریق سیاهه‌هایی، به راحتی به مطالب مورد نظر خود برسند. اکنون بسیاری کسانی که در پی به دست آوردن مطالب موردنیاز خود از منابع اولیه دینی هستند، اما هیچ بانک جامعی وجود ندارد که نیاز پژوهشگران را برطرف نماید.

در این میان از توجه به یک نکته نباید غفلت کرد و آن اینکه منابع دینی، به دلیل تفاوت زبانی، نمی‌تواند همواره با همان زبان اصلی مورد استفاده همگان قرار گیرد. پیروان یک دین ممکن است زبانی غیر از زبان متون دینی آن دین داشته باشند و یا متون آن دین به زبانهای گوناگونی ترجمه شده باشد. در هر دو صورت، این ضرورت بیشتر جلب توجه می‌کند که برای استفاده‌کنندگان دارای زبانی متفاوت، منابع ترجمه شده، نمایه‌سازی شود و در اختیار کسانی قرار بگیرد که در صدد استفاده از چنین منابعی هستند. البته نمایه‌ساز منابع دینی ضرورتاً باید از دو تخصص زیر برخوردار باشد:

۱. تخصص در امر نمایه‌سازی؛

۲. تخصص در علوم دینی.

چه اینکه فرایند چنین امری به فهم دقیق و تحلیل درست منابع نیاز دارد. نمایه‌سازی وقتی ممکن، و درست و دقیق انجام می‌شود که متن و مدرک مورد بحث کاملاً شناسایی و تحلیل شود. تحلیل نشدن دقیق یک متن و یا نا‌آشنایی با آن، موجب می‌شود که نمایه‌سازی و اطلاع‌رسانی در آن زمینه، به درستی صورت نگیرد. این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که تحلیل متن را از شرایط نمایه‌سازی بر شمرده‌اند. اهل فن، در باره دکومانتاسیون و یا به عبارتی تحلیل محتوا می‌گویند:

«دکومانتاسیون / Documentation، تحلیل محتوای هر یک از مدارک، صورت‌بندی این محتوا در قالب مجموعه‌ای از توصیف‌گرها، و تنظیم و سازماندهی این توصیف‌گرهاست؛ به گونه‌ای که جویندگان اطلاعات بتوانند (به سهولت و سرعت) سؤالهای مورد جست‌وجوی خود را با مدارک موجود در مجموعه منطبق سازند و پاسخ خود را بدون از دست دادن هیچ یک از مدارک موجود و مرتبط با سؤال مورد نظر بیابند»^۱.

در واقع، نمایه‌سازی از آن جهت که برای پاسخ دادن به جست‌وجوی طالبان اطلاعات است، نمایه‌ساز باید متن را به درستی بشناسد و سپس آن را بر اساس قواعد و رعایت امانتداری نمایه‌سازی نماید. ایده نمایه‌سازی مدارک و منابع زمانی می‌تواند جامه عمل بپوشد که تحلیل‌گران و نمایه‌سازان از توانمندی درخوری برخوردار باشند.

نمایه‌سازی منابع دینی

بر دین‌پژوهان پوشیده نیست که اطلاعات فراوانی از مدارک دینی موجود است که دست یافتن به همه آنها از عهده کمتر کسی بر می‌آید. اولین نوشتارها در اسلام پس از قرآن کریم، نگاشته‌های حدیثی است. هنگامی که کتابهای حدیثی به نگارش در می‌آمدند، مؤلفان آنها کمتر به عنوان‌بندی این آثار توجه داشتند و انگیزه اولیه نگارندگان، گردآوری احادیث و تدوین آنها در مجموعه‌هایی به منظور حفظ آنها و انتقالشان به نسلهای پسین، به مثابه میراثی واجب‌الحفظ بود. آنچه از کتابهای پیشینیان برجا مانده، نشان می‌دهد که مؤلفان، عموماً کتابهای خود را در چند فصل با چند عنوان محدود تدوین می‌کرده‌اند. به تدریج که کتاب و کتاب‌نویسی گسترش بیشتری یافت، نویسندگان در تدوین جوامع و مسانید حدیثی از عنوانهای بیشتری در تنظیم ابواب کتابهای خود استفاده کردند.^{۱۱} اما این روش هرگز نتوانست همه آنچه را که در لابه‌لای آنها بود در مقابل دیدگان جویندگان قرار دهد. چه اینکه در شماری از احادیث، چندین موضوع مطرح شده که باید در چندین جا و به مناسبت ابواب و بحثهای گوناگون، مورد استفاده قرار بگیرد؛ در حالی که تنها در یک فصل و یا باب آورده شده است. به علاوه هر مفهوم و عبارتی از مفاهیم و عبارتهای آیات و روایات نیز، ممکن است چندین احتمال معنایی داشته باشند. نگارندگان این کتابها نتوانسته‌اند همه محتوای حدیثها را بر اساس احتمال معنایی موضوع‌بندی آنها توجه داشته‌اند تیتربندی کنند. چه بسا نویسنده‌ای به عنوان اینکه حدیثی را به مناسبتی در جایی از کتابش نقل کرده در جای دیگر، که اتفاقاً مناسبت فراوانی هم داشته، به آن نپرداخته است و در این میان، اندک‌اند کسانی که برای یافتن همه ابعاد یک موضوع به جاهای مختلف یک کتاب مراجعه کنند.

عنوان‌گذاری و تیتربندی در احادیث حداقل امر ممکن و شدنی بوده و جبران برخی از کاستیها را نیز کرده است؛ اما این عمل هرگز در همه ابعاد صورت نپذیرفته و بخصوص در قرآن جایگاهی نیافته است. مسلمانان، برای حفظ قرآن از هرگونه گزند و تحریف، هیچ طبقه‌بندی در خود قرآن انجام ندادند و ترجیح دادند قرآن را به همان کیفیت که اولین بار تدوین یافته نگه‌داری کنند. در عین حال، این انگیزه مقدس، هیچ‌گاه نتوانست قرآن‌پژوهان را از اقدام به طبقه‌بندی آیات در مجموعه‌هایی دیگر باز دارد. آنان آیات قرآن را به صورت نظری بر چندین دسته، طبقه‌بندی کردند.^{۱۲} و این کمترین عمل ممکن در رده‌بندی آن بود. این عمل اگر چه مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفت و گامهایی نیز برداشته شد، اما هیچ‌گاه نتوانست جای اطلاع‌رسانی دقیق را از معارف آیات الهی پر کند. در عین حال، برای یافتن آیات و روایات مورد نظر، چاره‌اندیشی شد و برای یافتن آیات و احادیث جست‌وجوگران در درجه نخست واژه‌های قرآن را سیاه‌نگاری و تدوین کردند. این فهرست‌واره‌ها رو به کمال گذاشت و به تدریج به فرهنگ نگاریهای موضوعی تبدیل شد.

تلاشهایی که برای تهیه سیاه‌هایی متناسب جهت یافتن روایات و آیات مورد نظر انجام گرفت و کتابهایی که تدوین گردید، عمدتاً معجم نام‌گذاری شدند. گویا این نام بر گرفته از احادیث باشد که در آنها از حروف الفبا «معجم» تعبیر شده است.^{۱۲} نویسندگان این نوع کتابها از آنجایی که نوشته‌شان بر اساس حروف الفبا تنظیم می‌شده، ترجیح داده‌اند که آنها را به این نام بنامند. معجم‌نگاری مصطلح، چندان تاریخ روشنی ندارد. گویا پس از عصر نهضت تدوین حدیث و تألیف چندین کتاب حدیثی، حدیث‌نگاران به فکر افتاده‌اند که احادیث را با ترتیب خاصی تدوین نمایند. معجمهای سه‌گانه صغیر، کبیر و متوسط طبرانی (۳۶۰ق) بر اساس نام مشایخ حدیث و به ترتیب الفبا تدوین شد و در قرن سوم نیز، کتابهایی بر اساس الفبا تدوین گردید؛ مانند الضعفاء بخاری (۳۰۳ق) و الجرح و التعديل ابن ابی حاتم رازی (۳۲۴ق)، معجم الصحابة ابو یعلی (۳۰۷ق). اینها و کتابهای لغوی مانند العین تألیف خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ق)، گویای این واقعیت است که در این امر مسلمانان پیشقدم بوده‌اند؛ هر چند فهرست نگاری جدید، دانشی است که در مغرب زمین تکون یافته است.

دین‌پژوهانی که با متون اصلی دین سر و کار دارند، بخوبی بر این حقیقت واقف‌اند که آیات قرآن و روایات رسیده از پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم‌السلام، علاوه بر نص و ظهور، احتمالات معنایی فراوانی دارند که حداقل فایده چنین احتمالهایی معرفت افزایی است. راه دستیابی به این نوع از برداشتها که جزئی از معارف دینی هستند چیست؟ مفسران و شارحان، هر یک در ذیل آیه و یا حدیثی به اندازه توان و نیز، نوع رویکردشان به آیات و روایات، تلاش کرده‌اند تا احتمالات معنایی را بازگو کرده و بنویسند. توجه به سیاق آیات، شأن نزولها، احتماله‌های ادبی، سنت نبوی، تقدیم و تأخیر، معانی لغوی و چوه و نظایر، تقدیر، تضمین، کنایه و استعاره، دلالت‌های اشاری، اقتضایی و التزامی، و مناسبت طرح یک موضوع در لابه‌لای آیات، و تقابل کلمات و تعابیر و به کارگیری یک واژه در جاهای مختلف و به تناسب موضوع، موجب می‌شود که معانی گوناگونی از آیات به دست بیاید. این نوع روش شناسی در تفسیر منابع نشان می‌دهد که، معجم و فهرسته‌های لفظی نمی‌توانند این دسته از معارف را بازگو کنند. تنها راه رسیدن به ایده یاد شده، در اختیار داشتن همه معانی و برداشتها از منابع، مراجعه به تفاسیر و شرح‌های شارحان است. و بدون مراجعه، احتمال وجود چنین احتمالهایی هم در حد صفر است. آیا راهی برای دستیابی به این نوع از برداشتها، بدون نمایه‌سازی محتوای آیات و احادیث بر اساس تفسیر و برداشتها وجود دارد؟

نمایه‌سازی ترجمه و تفسیر منابع دینی

نگاهی گذرا به کتابهای تدوین شده در زمینه اطلاع‌رسانی از معارف دینی نشان می‌دهد که پیروان ادیان در این زمینه، احساس مشترکی داشته‌اند و در هر مقطعی به تناسب دانش روزگار خود، از ابزار مناسب برای اطلاع‌رسانی در جهت دستیابی به معارف دینی استفاده کرده‌اند. از مدارک موجود

استفاده می‌شود که پیروان ادیان برای پاسخ دادن به این احساس و نیاز، از ابتدایی‌ترین راهکارها شروع کرده‌اند و به تدریج با بهره‌گیری از تجربه‌ها، به دانش نمایه‌سازی مدارک هم رسیده‌اند. هم در میان مسیحیان و یهودیان، و هم در میان مسلمانان، اقدامهای قابل توجهی در زمینه اطلاع‌رسانی از مفاهیم دینی صورت گرفته است. البته، به رغم گذشت سالیان دراز از آغاز تلاشهای اطلاع‌رسانی، هنوز کاربرد این دانش در معارف دینی در آغاز راه است. آنچه رخ داده با آنچه باید انجام شود، فاصله بسیار دارد. آنچه انجام شده، عمدتاً معطوف به تهیه راهنمای دستیابی به الفاظ و واژه‌های منابع و متون دینی است، و آنچه باید انجام شود فراهم آوردن بانک جامع اطلاعات دینی به ویژه با رویکرد منابع دینی است که طلیعه‌های آن در پاره‌ای از نرم افزارها مشهود است.

کارهای انجام گرفته عمدتاً ناظر به کشف الفاظ و آیات و کتابهای دینی است که البته با نمایه سازی مدرن و اصطلاحی تفاوت‌هایی دارد. در عین حال هدف و ماهیت هر دو فهرست یکی است. چون هر دو روش برای راهنمایی کاربران به مصادر و مأخذ تدوین شده است. در نمایه سازی دقت بیشتری وجود دارد و دارای گونه‌های گوناگونی است و اطلاعات بر حسب آنها طبقه‌بندی می‌شود، اما در فهرستگان واژه‌ای و کشف الآیات، واژه‌ها بر اساس ریشه و مصدر و یا به همان شکل به کار برده شده، سیاهه می‌شوند و قابلیت طبقه‌بندی ندارند.

نمایه‌سازی عهدین

از دو کتاب انجیل و تورات که از آنها به عهدین یاد می‌شود، ترجمه‌های گوناگونی به زبانهای مختلف انجام شده و از ترجمه‌های آنها نمایه‌سازی به عمل آمده است. کسانی از علمای مسیحی و یهودی تلاش کرده‌اند که مفاهیم آن دو کتاب نمایه شده و در سیاهه‌هایی ارائه شود. نمونه‌ای از این دست از نمایه‌ها و سیاهه‌نگاری، چنین است:

۱. **فهرس الكتاب المقدس**، فهرس الكتاب، فهرست‌واره‌ای است که دکتر جرج پست به کمک شاگردانش آن را در مدت هشت سال به زبان عربی بر اساس ترجمه عهدین تدوین کرده است.^{۱۳} ناشر، هدف از این کار را در مقدمه یادآوری کرده و گوشزد نموده که پس از چاپ کتاب مقدس به زبان عربی در ۱۸۶۵م، معجمی که بتوان با آن، به آیات کتاب مقدس به راحتی دست یافت، پیدا نشد. از این رو دکتر جرج پست، اقدام به سیاهه‌نگاری آن کرد و در ۱۸۷۵ میلادی آن را به پایان برد و منتشر کرد. این کتاب، در قطع وزیری و در ۶۸۸ صفحه به ترتیب حروف الفبا و بر اساس ریشه کلمات عربی تدوین شده است. تدوین کننده، آن را در دو بخش نمایه‌های موضوعی و نمایه اعلام تنظیم کرده است. این کتاب را دار مکتبة العائلة قاهره چاپ کرده و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

فهرس الكتاب المقدس در ایران به فارسی ترجمه شده است. ترجمه فارسی این اثر از جیمز هاکس با کمک اسماعیل صدیقی نوذری به سال ۱۳۰۷ش / ۱۹۳۸م با نظارت وایشم انجام گرفته است.^{۱۴}

کتاب، دربرگیرنده تمامی مفاهیم معنایی کتاب مقدس و رسائل و نوشته‌های اولیای دین مسیحیت و یهود است^{۱۵} و ۹۸۸ صفحه دارد، و در ۱۳۴۹ از سوی انتشارات طهوری چاپ و منتشر شده است.

۲. **معجم اللاهوت الكتابی**، معجم لاهوتی، فهرست‌واره موضوعی دیگری از کتاب مقدس است که با اندک توضیحات و ارجاع به آیات، به ترتیب حروف الفبا است. کتاب مقدس به زبان عبری و نسخه‌ای از آن هم به زبان یونانی است^{۱۶} که به فرانسوی ترجمه شده و از سوی گروهی، با اشراف چند کشیش در لبنان به سال ۱۹۷۴ به زبان عربی ترجمه شده است. نویسنده آن، کشیش کزافییه لیون دوفور یسوعی است. انگیزه وی از تدوین آن در آغاز، فراهم آوردن معجم لغوی واژه‌های کتاب مقدس بوده که در حین انجام، هدفش را تغییر داده و برای استفاده هر چه بیشتر، آن را تبدیل به معجم معنایی کرده است.^{۱۷}

مؤلف، دلیل نام‌گذاری این معجم را به معجم لاهوتی چنین توضیح داده است: چون کتاب مقدس، از خداوند و افعال و صفات او سخن می‌گوید، بنابراین، موضوع آن خدا و شروع و ختم آن نیز، در باره خداوند است. در واقع، خدا خود را در این کتاب نمایانده است.^{۱۸}

۳. **المرشد الی الکتاب المقدس**، کتاب در ۱۹۷۳ به زبان انگلیسی تدوین و در ۱۹۹۶ به عربی برگردانده شده است. بخش نخست کتاب به منزله تفسیری بر موضوعات و مطالب کتاب مقدس به همراه عکسهایی از مناطق مورد بحث است. بخش دوم آن را نمایه موضوعات نص کتاب تشکیل می‌دهد. بخش سوم کتاب نمایه‌های عمومی است. ناشر آن دارالکتاب المقدس فی الشرق الأوسط و مجلس کنائس الشرق الأوسط است.

۴. **قاموس الکتاب المقدس**، قاموس الکتاب به صورت فرهنگنامه و از سوی گروهی از استادان متخصص و با نظارت گروهی دیگر به زبان عربی تدوین شده است. ناشر در مقدمه سبب تدوین آن را یادآوری کرده و می‌نویسد از زمان انتشار کتاب مقدس در ۱۸۹۴م، نیاز جدی به یافتن موضوعات آن پیدا شد که با همت گروهی از کشیشها و اساتید دانشگاه آمریکایی قاهره اقدام به فهرست‌سازی شد و به صورت الفبایی در ۱۱۳۰ صفحه تدوین گردید. البته، کتاب صرف کشف المطالب نیست، بلکه هر عنوانی از کتاب با توضیحی همراه است و به آیات کتاب مقدس ارجاع گردیده است. کتاب را دارالثقافة بیروت چاپ و منتشر کرده است.

معجمهای معنایی قرآن و حدیث

تلاش برای ارائه مطالب و مفاهیم قرآن کریم و احادیث، فراتر از راهنمایی به الفاظ آنها، از دیر زمانی است که شروع شده است. تاریخ تدوین آنها این واقعیت را بازگو می‌کند که این تلاش علمی مدام در حال تکمیل و گسترش بوده و هست. شروع تدوین کشف مطالب قرآن، تاریخ روشنی ندارد؛ اما آنچه مسلم است اقدام به تدوین کشف الآیات، بیش از اقدام به تدوین فرهنگنامه‌های موضوعی

بوده است. انگیزه‌های گوناگونی در تدوین این کشف‌المطالبها وجود داشته است. گویا از زمانی که حفظ قرآن رو به کاهش گذاشته و خوانندگان و قاریان آن رو به ازدیاد نهادند، ضرورت تدوین کشف آیات و مطالب احساس شد. آن روزگاری که حفظ قرآن به عنوان سنتی دینی در میان مسلمانان رایج بود، حافظان با اتکای به ذهن خود این مهم را انجام می‌دادند، اما از روزی که جمعیت مسلمانان گسترش یافت، از سویی حافظان کم شدند و از سوی دیگر خواسته‌ها و مطالبات مردم و به ویژه جویندگان معارف دینی برای یافته‌های خود و پاسخ دادن به شبهه‌ها و سؤاها آشکارتر گردید، به دست آوردن اطلاعات از متون اصلی بیشتر احساس شد. رویکرد به استفاده از نمایه و تدوین فرهنگها و معجمهای موضوعی بر اساس موضوعات و مفاهیم قرآن، در این زمان، جایگاهی پراهمیت یافت. کشف آیات،^{۱۹} طبقات آیات،^{۲۰} کشف الکلمات، کشف المطالب،^{۲۱} کشف،^{۲۲} مرآت آیات،^{۲۳} فهرس القرآن،^{۲۴} قاموس، و المعجم المفهرس^{۲۵} عنوانهایی هستند که در درجه نخست برای پاسخ دادن به آن خواسته برای دستیابی به کلمات و آیات و موضوعات قرآن تدوین شدند.

فهرست‌واره‌های تهیه شده، تنها در زمینه الفاظ معنادار واژه‌های قرآن نبوده، بلکه اعلام، موضوعات، ادوات، ضمائر، ارقام، افعال ناسخ و افعال محذوف را نیز، شامل می‌شد. به علاوه در زمینه‌ها و موضوعهای خاص نیز، این تلاش صورت پذیرفت؛ موضوعاتی چون مسائل اقتصادی، حقوق انسان، تربیت، روان‌شناسی، و... از جمله مباحثی‌اند که فرهنگ‌نگاران قرآن در زمینه آنها معجم و فرهنگ پدید آورده‌اند.

فهرست‌واره‌های قرآن که در کشورهای اسلامی با نامهای مختلف تدوین شده، در واقع نمایه‌سازی گردانی^{۲۶} از الفاظ قرآن است که به منظور راهنمایی استفاده‌کنندگان به جایگاه هر یک از آنها تهیه شده‌اند. معجم‌نگاری موضوعی نه تنها در میان مسلمانان غیر عرب زبان، بلکه به دلیل نیاز فراوان در کشورهای اسلامی عربی نیز، انجام شد. برای نمونه، تبویب آیات القرآن من الناحیه الموضوعیه،^{۲۷} الترتیب والبیان عن تفصیل آیات القرآن،^{۲۸} المعجم المفهرس لألفاظ القرآن^{۲۹} از این دسته‌اند.

جست‌وجو برای یافتن کلمات مورد نظر و نیز موضوعات و مطالب قرآن، علاوه بر مسلمانان، غیر مسلمانان را نیز بر آن داشت که برای یافتن آنها اقدام به معجم‌نگاری کنند. گوستاوفلوگل آلمانی از جمله آنهاست که پیش از محمد فؤاد عبدالباقی، معجم کلمات قرآن را تدوین کرد. وی در ۱۸۴۳ اقدام به تدوین کتابی به نام نجوم الفرقان کرد. وی، انگیزه خود را از اقدام به این کار، چنین شرح کرده است:

«آیات و الفاظ قرآن، در تمام منابع دینی عربی پراکنده است و یافتن آنها در قرآن برای استفاده‌کنندگان مشکل است. کمتر ورقی می‌توان یافت که در آن کلماتی از قرآن بی‌بیدل نیامده و یا اشارتی به آیات و کلمات آن نشده باشد و در همه موارد لازم است که به کمک کشف آیات بدان کلمات و یا اشارات، راه یافته آید و کلمات قرآنی از دیگر عبارات و کلمات بلند دینی باز شناخته شود؛ چنانکه من خود از این پیشتر به هنگام مطالعه و ترجمه کتابهای عربی از نداشتن وسیله تشخیص و تمیز تنگدل بودم و به تنگ می‌آمدم.»^{۳۰}

فلوگل برای کتاب خود مقدمه‌ای نوشته که دکتر ماتسوخ، استاد زبان فارسی دانشگاه برلن آن را به فارسی ترجمه کرده است.

جنبش معجم‌نامه نگاری در جهان اسلام

در سیر تدوین فهرستگان برای منابع دینی، به تدریج فهرست و نمایه کلمات و آیه‌ها، جای خود را به نمایه‌سازی موضوعی داد. بسیاری از قرآن‌پژوهان با توجه به این واقعیت که الفاظ و عبارتهای قرآن کریم، حاوی اطلاعات و مطالبی فراتر از کلمات و واژه‌ها هستند، و آنها را نمی‌توان از طریق واژه‌ها به دست آورد، اقدام به فرهنگ نگاری موضوعی کردند. همچنین اشاره به این واقعیت لازم است که معجمهای لفظی تنها برای کسانی قابل استفاده است که الفاظ و حداقل یک لفظ حدیث را به خاطر داشته باشند و گرنه هیچ‌گاه نمی‌توان از طریق معجمهای لفظی مطالب مورد نظر را به دست آورد.

درک درست کسانی که به معجم نگاری موضوعی روی آوردند، یک تحول عظیم در دانش اطلاع‌رسانی در زمینه معارف دینی، به شمار می‌رود. از این تلاش علمی می‌توان به جنبش معجم‌نگاری موضوعی و یا فرهنگ‌نامه نگاری یاد کرد. به درستی روشن نیست که آغاز کننده این نهضت چه کسی است، اما شاید نخستین اثر برجای مانده و ثبت شده در فرهنگ موضوعی و عرصه اطلاع‌رسانی در زمینه مفاهیم قرآن کریم را بتوان از آن ژول لایوم / Jules la Beaume، مستشرق فرانسوی (۱۸۰۶-۱۸۷۶م) دانست. وی کتابی با نام *تفصیل الآیات فراهم آورد و موضوعات قرآنی را* که به تصور او باید دسته‌بندی می‌شد و در ذیل عنوانهایی قرار می‌گرفت، گرد آورد و آیات مربوط به آنها را نیز، در ذیلشان قرار داد. ژول لایوم، در طرح ایده خود، آن را ناشی از این دانسته که جای فهرست جامعی که بتوان با آن در اندک زمان ممکن به نشانی آیات قرآن دسترسی پیدا کرد، خالی بود. بنابراین، وی اقدام به طبقه‌بندی مطالب بر اساس ترجمه فرانسوی قرآن کرد. از آنجایی که وی به زبان عربی آشنا نبوده مطالب کتاب را بر اساس ترجمه فرانسوی کازیمیرسکی در هیجده باب طبقه‌بندی و برای هر یک نیز، به اقتضای بسامدی اطلاعات عنوانهای فرعی ساخت. عنوانهای فرعی این اثر ۳۵۰ عنوان است و در ۱۸۷۷ میلادی چاپ و منتشر شده است.

اثر ژول لایوم از آن جهت که حاوی همه مطالب قرآن نبود، با مستدرکاتی نیز، همراه شد و از جمله ادواژ موتیه برای *تفصیل الآیات* مستدرکی نوشت و یک صد عنوان بر آن افزود که در چاپ دارالکتاب العربیة بیروت با ترجمه محمد فؤاد عبدالباقی چاپ شده است.^{۳۱}

اثر یاد شده به دلیل نو و بدیع بودن، مورد استقبال مسلمانان قرار گرفت و در کشورهای اسلامی، ترجمه و منتشر گردید. محمد فؤاد عبدالباقی، شاگرد رشید رضا، که بعدها بر قرآن معجم لفظی جامع ماندگار و بی بدیلی فراهم آورد، آن را در ۱۹۲۴ میلادی به زبان عربی برگرداند.

محمد زکی هم به منظور برطرف کردن نقص از کتاب ژول لایوم، الترتیب و البیان عن تفصیل الآیات القرآن، را در ۹۸ باب و یا موضوع تدوین کرد. این کتاب به صورت کلی طبقه‌بندی شده و هر موضوع ریز را باید از طریق عنوانهای عام به دست آورد.

تفصیل الآیات در ایران نیز، با استقبال قرآن‌پژوهان روبه‌رو شد و اولین بار آن را حاج علیخان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات و دارالترجمه، به فارسی برگرداند و بر اساس آن، فهرست موضوعی برای قرآن فراهم آورد. وی وقتی متوجه نگارش فهرستی برای قرآن در مغرب زمین می‌شود، تصمیم می‌گیرد که در ایران نیز، همان کار را به انجام برساند، ولی از ترس عکس‌العمل علما و مؤمنان، اقدام به تدوین آن نمی‌کند، ولی در حضور جمعی در باره آن اظهار نظر کرده و ابراز تمایل می‌نماید که تهیه چنین کشف‌المطالبی لازم است. حاضران وی را بر انجام آن تشویق می‌کنند و یادآوری می‌نمایند که چنان کاری تحریف قرآن نیست تا با اشکال و رویارویی مواجه شود. وی در پی آن نشست و استماع سخنان موافق، اقدام به تدوین آن می‌کند و در پایان قرآنها به چاپ می‌رساند.^{۳۳} توضیح این واقعه در نسخه قرآن حاجی صمصام‌الملک آمده و تنها به این نکته اشاره شده است که مغرب زمینیان در باره قرآن اقدام بسیار خوبی انجام داده‌اند و مسلمانان چنان نکرده‌اند، اما اشاره‌ای به اینکه کار ژول لایوم را ترجمه کرده، نشده است. از فصلها و عنوانهای فرعی استفاده می‌شود که کار انجام گرفته، همان تفصیل الآیات ژول لایوم است.

عنوان تألیف و یا ترجمه اعتمادالسلطنه، بر خلاف نامهای پیشین که کشف الآیات و امثال آن بود، کشف‌المطالب گذاشته شد. انتخاب این اسم خود نشان از این واقعیت می‌داد که تهیه‌کنندگان آن در پی طرحی نو بودند و در صدد بر آمدند که موضوعات و مطالب قرآن و نه الفاظ و واژه‌های آن را نمایه و فهرست کرده و در اختیار کاربران قرار دهند. این کشف‌المطالب بعدها در قرآنها متعددی با همین عنوان به چاپ رسید. گو اینکه برای چنین کاری، چنان عطشی وجود داشته که قرآنها چاپهای پس از آن، نوعاً با آن کشف‌المطالب چاپ شده و با آن قرآن پژوهان سیراب می‌شده‌اند. قرآنها زیر نمونه‌ای از آنهاست.

قرآن مترجم، به خط غلامحسین بن ملا محمد خوانساری که در ۱۳۰۹ نوشته شده و محمد حسین کتابفروش در ۱۲۶۹ش / ۱۳۰۹ق آن را چاپ و منتشر کرده است؛^{۳۴} قرآن با خط عبدالجواد بن عبدالحمید که در ۱۳۱۷ش نوشته شده و ناشر آن میرزا سلیمان رکن‌الملک است؛^{۳۵} قرآنی که در ۱۲۹۱ش / ۱۳۳۱ق از سوی مطبعه سید مرتضی در تهران چاپ شده است؛^{۳۶} و قرآنی با خط محمد علی مدرس‌زاده که در ۱۳۶۱ق نوشته شده و در تهران، کتابفروشی محمد علی اعلی به سال ۱۳۲۶ش / ۱۳۶۴ق آن را نشر داده است؛^{۳۷} نیز قرآنی با خط طاهر خوشنویس با ترجمه محمد کاظم معزی که در ۱۳۷۵ق نوشته شده و در تهران کتابفروشی اسلامیة آن را در ۱۳۳۷ش / ۱۳۷۷ق به چاپ رسانده است؛^{۳۸} همین‌طور قرآنی با خط طاهر خوشنویس که در ۱۳۶۸ق نوشته شده و در ۱۳۴۳ش منتشر

گردیده است؛^{۳۸} قرآنی که در ۱۳۴۸ش در تهران نشر اسلام چاپ کرده است؛^{۳۹} و قرآنی به خط محمد خالقی زنجانی با ترجمه محمد کاظم معزی که در ۱۳۹۱ق نوشته شده و نشر اسلام آن را چاپ کرده است؛^{۴۰} قرآنی با خط ابوالقاسم خوشنویس با ترجمه محمود یاسری، در تهران، به سال ۱۳۶۴ش چاپ شده است؛^{۴۱} قرآن چاپ شده از سوی داوود رمضان شیرازی، مدیر کتاب‌فروشی سنایی با خط طاهر خوشنویس و ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای و قرآنی با خط فتحعلی شریف صفوی که عبارتهایی از آن با خط کوفی نوشته شده و در ۱۳۲۴ق. به چاپ رسیده است.

در این چاپها، موضوعاتی از معارف قرآن تبویب و در هیجده باب عنوان گذاری شده و هر یک از ابواب چندین فصل را به خود اختصاص داده است. عنوانهای ابواب آنها عبارت‌اند از:

۱. وجود و صفات و اسماء باری تعالی، ۲. خصایص رسول‌الله، ۳. حقیقت قرآن، ۴. مواعظ، ۵. اسرائیلیان و یهودان، ۶. تورات و انبیا، ۷. عیسویان، ۸. علم ماوراء الطبیعه، ۹. دین و دیانت، ۱۰. اعتقاد، ۱۱. فرایض و عبادات، ۱۲. شریعت، ۱۳. شرایع زندگی و اجتماع، ۱۴. علوم و صنایع، ۱۵. تجارت و معامله، ۱۶. اخلاق و تهذیب، ۱۷. پیشرفت و ترقی، ۱۸. تاریخ.^{۴۲}

این سرفصلها دقیقاً همان سرفصلهایی است که در تفصیل آیات آمده است. با این تفاوت که مطالب کشف المطالب به صورت عکس کتاب تفصیل آیات، تبویب شده است. در چاپ خط شریف صفوی، تنها به ذکر شماره آیه و سوره بسنده شده و روی هم ۱۶۲ عنوان دارد؛ در حالی که مدخلهای فرعی ژول لایوم از ۳۵۰ عنوان برخوردار است. وی برای این ابواب و فصول فهرست الفبایی نیز، ترتیب داده و در ۵۳ صفحه سامان یافته است.

اثر عربی شده ژول لایوم، یک بار هم در سال ۱۳۳۴ از سوی کیکاووس ملک منصور ترجمه شده و با افزودن ترجمه آیات، منتشر گردید. وی این کتاب را به دلیل سودمندی‌اش با کمک محمود هدایت و با اجازه مهدی الهی قمشه‌ای انجام داد. چاپ سوم کتاب را که نگارنده ملاحظه کرده، ۷۱۲ ورق دارد و از سوی سازمان کتاب به سال ۱۳۵۸ چاپ شده است.

اثر ژول لایوم، به تدریج تأثیر خود را بر جای گذاشت و قرآن‌پژوهان تلاش کردند تا به معجمهای لفظی بسنده نکنند و به تهیه معجمهای موضوعی مبادرت نمایند؛ نه بر اساس الفاظ، بلکه با تکیه بر موضوعات. البته، معجمها و یا فرهنگنامه‌های موضوعی از جهت کم و کیف تفاوت‌های چشمگیری دارند.

در این بخش به معرفی آن دسته از معجمهایی می‌پردازیم که بر اساس نمایه‌سازی موضوعات قرآنی تهیه شده‌اند و شامل هرگونه تلاشی در زمینه اطلاع‌رسانی از طریق موضوع‌بندی مطالب می‌شود.

۱. **فهرستی بر ترجمه منظوم صفی‌علیشاه**: این فهرست را ناشر تهیه کرده و در دو جلد قرآن ترجمه صفی‌علیشاه آورده است. ویژگیهای این فهرستها این است که آنها را به ترجمه آیات ارجاع داده است. این فهرست در جلد اول، در هفت صفحه و در جلد دوم، در پنج صفحه آمده است.^{۴۳}

۲. **قرآن مجید با تفسیر فارسی؛** این کتاب، به سال ۱۳۶۸ قمری از سوی شرکت سهامی در قطع رحلی و چاپ سربی به طبع رسیده است که، حاوی تفسیری در حاشیه و مقدمه‌ای طولانی در تجوید و پاره‌ای از مباحث علوم قرآنی و خواص آیات و سوره است. این اثر دارای کشف المطالبی است که به زبان فارسی نگارش و براساس فصول ژول لایوم در هیجده باب و هر بابی در چندین فصل تدوین شده است. برای همه فصول، فهرستی الفبایی ساخته شده که از آدم و آدمیت و آزادی شروع می‌شود و به یهودان ختم می‌گردد.^{۴۴} در ذیل فصلها، عنوانها به فارسی نوشته و به شماره آیات و سوره‌ها ارجاع شده است. نیز همین قرآن، مفتاح کشف الآیات دارد که بر اساس الفبا تنظیم شده و از «اب» شروع و در «یوم» خاتمه یافته است.^{۴۵} نگارش این مفتاح و کشف المطالب به سال ۱۳۶۴ انجام گرفته است.^{۴۶} این کشف المطالب، بنابر اظهار تدوین‌کننده آن شیخ محمد حسین موسوی، تجرید کشف الآیاتی است که علمای آفریقا نوشته‌اند و آن مشتمل بر کلمات قرآن، ضمائر، اسماء اشاره، موصولات و حروف بوده، و چون آن را از حیث کشف سودمند ندیده، اقدام به تدوین این کشف المطالب کرده است.^{۴۷}

۳. **ترجمه‌ای از قرآن به کوشش دکتر جعفر یاحقی؛** این ترجمه بر اساس نسخه‌ای است که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگاه‌داری می‌شود و در سیزدهم صفر ۵۵۶ ه‍.ق به دست ابو علی بن الحسن بن الحسن بن محمد بن الحسن الخطیب در قریه کهکابر ری به نگارش درآمده است.^{۴۸} مصحح آن را به صورت کامل در دیباچه معرفی کرده است. این ترجمه شامل همه قرآن است و مصحح، چندین فهرست برای آن فراهم کرده و از جمله، واژه‌نامه فارسی است که از واژه «آب آمیخته» شروع و به «یگانه» ختم می‌گردد. این واژه‌ها از این رو گردآوری و نمایه شده‌اند که کاربرد فارسی دری آن و معادلش در زبان قرآن بازگویی شود. از صفحه ۶۸۷ تا ۷۶۴ کتاب به این بخش اختصاص دارد. آنگاه نام کسان و اقوام و جایها آمده که همه بر اساس ترجمه فارسی تهیه شده و هیچ‌یک به آیه‌ای از قرآن ارجاع نشده است. این ترجمه از سوی مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی در ۱۳۶۳ چاپ و منتشر شده است.

۴. **کشف المطالب قرآن مجید؛** این کشف المطالب حاوی ۳۷۱ عنوان است و هیچ ترتیب و آدابی هم در آن مراعات نشده است. نویسنده، مهدی مستشاری کرمانشاهی است که آن را در سال ۱۳۷۲ تدوین کرده و هدفش از تدوین کتاب، تهیه کتابی از موضوعات قرآن بوده که حاوی «تمام آنچه را که برای زندگی سه گانه دنیا، برزخ و آخرت لازم بوده، از معدن لایتناهی قرآن مجید استخراج کند و در دسترس عموم قرار دهد».^{۴۹} نمایه‌های انتخاب شده برای عنوانهای بز ساخته کتاب، بسیار بلند و بی قاعده است. اولین موضوع و یا نمایه، نامهای خدا، سپس فهرست آیات منزّه کننده خدا، نعمتهای خدا، آنان را که خدا دوست دارد، رحمت و احسان و رأفت خدا و... است. در زیر هر نمایه‌ای

به مناسبت آیات مربوط به ترتیب سوره‌های قرآن با ذکر نام و شماره آیه آورده شده است. تنوع عنوانها و موضوعات در این کشف المطالب نسبتاً زیاد است.

۵. **طبقات آیات**؛ بنا به تصریح مؤلف، هدف از تدوین کتاب، برآوردن آرزویش مبنی بر تدوین کتابی در بیان مطالب قرآن دانسته که از زوایای این کتاب آسمانی به دست می‌آید.^{۵۰} وی یاد آوری کرده که دوست داشته این کتاب به گونه‌ای باشد که با عباراتی ساده و همگانی مرتب شود. او بیشتر کشف المطالب ملک منصور را هم دیده، اما آن را حاوی کلیاتی یافته که هدف وی را بر نمی‌آورد.^{۵۱} از این‌رو، تصمیم گرفته که مطالب قرآن را ریزتر از آن استخراج نماید. مؤلف، نمایه‌های انتخابی کتابش را به صورت تحلیلی آورده و عنوانهایی عام برای دسته‌بندی آیات انتخاب کرده است. همه مطالب قرآن در این کتاب در ۲۶ فصل طبقه‌بندی شده است. نمونه‌ای از نمایه‌های کتاب چنین است: صفت خدا، یکتایی خدا، اهل بیت و یاران محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، تفکر در اسرار خلقت، کار و کوشش، آزادی، فرهنگ، موسیقی، جنگ و تبلیغات اسلامی، خلقت آسمان، عقود و ایقاعات، حالات روحی بشر، غنایم و صدقات.

۶. **فهرس القرآن و یا فهرست‌نامه قرآن**؛ دکتر محمود رامیار، در ادامه معجم نگاری معنایی برای قرآن، فهرست مفصل‌تری نسبت به گذشته فراهم کرده و نام آن را *فهرس القرآن* گذاشته است. این فهرست ۳۲ فصل و ۱۵۰۰ موضوع دارد.^{۵۲} مدخلهای فهرست، عربی است و مؤلف ترکیبهایی از آن را ساخته، گرچه بر اساس واژه‌های قرآن نیست. وی از مطالب قرآن دو فهرست تهیه کرده است: یکی فهرست لفظی و دیگری فهرست مطالب. در فهرست دوم، تدوین کننده، سعی کرده است که موضوعات قرآن را در چند فصل سامان دهد؛ از قبیل: کالاهای، رنگها، پوشیدنیها، اجتماعات، الأحكام والحدود، الأخلاق الحمیده، الأخلاق الذمیه و... آیات هر یک از عنوانها با عنوانهای عربی و برگردان فارسی در ذیل آنها آمده است. فهرستهای رامیار در پایان قرآنی با ترجمه محمد کاظم معزی در ۱۳۷۲ قمری به چاپ رسیده و از صفحه ۳۷۷-۸۲۴ قرآن یاد شده را به خود اختصاص داده است. این کتاب، به صورت مجزا نیز، در ۱۳۷۹ از سوی نشر صابرین، بی هیچ توضیح و دستکاری افسست و تکثیر شده است.

۷. **فرهنگ موضوعی قرآن**؛ این کتاب، حاوی هفت هزار موضوع و سه هزار ارجاع است. در این فرهنگ، هر چند کلمات قرآن به کار برده شده، اما نمایه‌های ساخته معادل نیز، فراوان است و از واژه‌های فارسی و عربی باهم استفاده شده است. واژه‌های فارسی به عربی معادل عمدتاً قرآنی ارجاع گردیده و عنوانهای اصلی گاه عنوانهای فرعی هم یافته‌اند.^{۵۳} این کتاب را دو قرآن‌پژوه معاصر کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی تألیف کرده‌اند. آنان در مقدمه کتاب، به پیشینه معجمهای قرآنی اشاره کرده و به مشکل اساسی معجمها نیز پرداخته‌اند، و مشکل یاد شده را ذهنی و نه عینی بودن ساختار آنها معرفی کرده‌اند،^{۵۴} و آنگاه یادآوری کرده‌اند که این طرح را رها کرده و برای نخستین بار شیوه‌هایی

جدید را که در فهرست‌سازی کتابها و مدارک علم در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی اروپا معمول است... به کار گرفتند.^{۵۵} مؤلفان با توجه به صورت عینی و تجربی به سراغ آیات رفته‌اند که در آنها چه چیزهایی وجود دارد. حاصل این تلاش، ده هزار عنوان اصلی و ارجاعی است که تنها به ذکر عنوانها و مدخلها اکتفا کرده و از آوردن آیات خودداری کرده‌اند و به ذکر سوره و آیه بسنده نموده‌اند.^{۵۶} این کتاب در یک جلد و به قطع وزیری در ۴۲۰ صفحه تنظیم و در ۱۳۷۶ در تهران از سوی انتشارات ناهید چاپ شده است.

۸. **فروغ بی‌پایان**؛ فهرست تفصیلی مفاهیم قرآن تألیف عبدالمجید معادیخواه است که ۸۵۹ صفحه دارد. کتاب، فهرستی است فارسی بر مفاهیم قرآن که از «آب» شروع شده و با «یهود» پایان یافته است. فروغ بی‌پایان، ۲۳۰۰ موضوع اصلی و ۷۵۰ عنوان ارجاعی و ۲۱۶۰۰ عنوان فرعی دارد. به گفته مؤلف، از پیوند آیه‌ها با عنوانها ۱۸۰۰۰۰ عنوان به دست می‌آید. شیوه آن چنین است که هر موضوعی، عنوانهای فرعی بزرگ ساخته دارد، یعنی مؤلف با ذوق خود، نکته‌هایی را که از آیات استنباط کرده و مربوط به عنوان بوده در ذیل هر عنوان اصلی آورده و آیات و سوره‌هایی را که مطالب را از آنها گرفته، ارجاع داده است. این کتاب، که خود به تعبیر نویسنده، یک فهرست تفصیلی است، دو فهرست هم در پایان دارد: فهرست اول آن عنوانهای فقهی و اصولی به ترتیب الفباست.^{۵۷} فهرست دوم، نمونه‌هایی از آیه‌های جامع در هر زمینه است.^{۵۸}

مؤلف در این معجم، به الفاظ قرآن حتی به برگردانهای فارسی آن بسنده نکرده و عنوانهای بزرگساخته غیر رایج در فرهنگنامه و معجمهای قرآنی را، فراوان آورده است؛ مانند آب بس / ۲۶؛ گاو یعقوب زادگان / ۲۶؛ آخر بینی و آخور بینی / ۲۹؛ مفهوم نمادین آسمان / ۳۸؛ کُرَات معلق / ۳۸؛ مخاطبهای آشنا / ۳۹؛ آفت دین شناسی / ۳۹؛ آفات انقلاب / ۴۰؛ آمیزش؛ آمیزه‌ای از نیکی و بدی / ۴۵؛ سابقه اتمام حجت / ۵۴؛ گزیده‌گویی / ۵۷؛ تفکیک دین از سیاست / ۵۸؛ محمد، حماسه اخلاق / ۶۰؛ فرعون زدایی / ۶۰؛ امنیت و وحشت / ۹۸؛ بایکوت / ۱۳۵؛ انشعاب / ۱۱۴؛ باشگاه / ۱۳۳؛ باند / ۱۳۵؛ تحلیل / ۲۲۷؛ جوسازی، جو پذیری و جو شکنی / ۳۰۷.

دهها، بلکه صدها عنوان از این قبیل، در کتاب نمایه شده است که معادلی در قرآن ندارد و از برداشتهای مؤلف است. نویسنده سعی کرده است که نوع عنوانها و مدخلها را در چند محور کلی طبقه‌بندی کند. برای نمونه عنوانهای فرعی اول آب چنین است: ۱. آب در نگاه فلسفی، ۲. آب در نگاه معنوی و عرفانی، ۳. آب در نگاه بهداشتی و زیست محیطی، ۴. آب در نگاه تاریخی، ۵. آب در نگاه هنری، ۶. آب در نگاه اقتصادی، ۷. مالکیت آب.^{۵۹} تقریباً همین عنوانها در مدخل آتش نیز، وجود دارد.^{۶۰} چاپ نخست این کتاب را نشر ذره در سال ۱۳۷۸ منتشر کرده است.

۹. **فرهنگ قرآن**؛ اثری مشترک از اکبر هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. این اثر در تداوم فرهنگ‌نگاری برای معارف قرآن تدوین شده و جلد نخست منتشر شده آن، تنها

نمایه‌های بخش «آ»ی مطالب قرآن است که از آب شروع شده و با آبادانی، و آبرو ادامه یافته و با آیندگان خاتمه یافته است. شماری از عنوانهای آن چنین‌اند: آب میوه، آتش، آتش افروزی، آثار باستانی، آجر، آدم، آدم ربایی، آرامش، آرزو، آزادی، آسانی، آسایش و آوارگی.^{۶۱} فرهنگ قرآن، معجم معنایی است که مطالب اصلی و فرعی آن به ترتیب الفبا سامان یافته و در نوع خود کار بی نظیری است. گویا این اثر دارای ۳۰۰۰ مدخل است که تنها ۴۵ مدخل آن در جلد نخست آن آمده است.

اقدام به تهیه معجم معنایی از طریق نمایه‌سازی ترجمه‌ها و تفسیرهای متون دینی، تنها در منابع غیر عربی نبوده، بلکه عرب زبانها نیز، به معجم لفظی اکتفا نکرده و اقدام به نمایه‌سازی و فهرست‌بندی مطالب قرآن کرده‌اند که برای نمونه، شماری از آنها معرفی می‌شود.

۱. المعجم الموضوعی لآیات القرآن الکریم؛ اثری از صبحی عبدالرؤوف عَصْر، در این

معجم آیات یک موضوع گردآوری شده و یک عنوان بر ساخته از سوی مؤلف برای آنها به مناسبت محتوای آیات انتخاب شده و آیات مربوط، به ترتیب سوره‌ها در زیر آنها قرار داده شده است. مؤلف کل اطلاعات گردآوری شده را در سه عنوان ایمان و اسلام، تقوا، و کفر و فجور طبقه‌بندی کرده و صدها عنوان فرعی در زیر آنها ساخته است.^{۶۲}

۲. الفهرس الموضوعی لآیات القرآن الکریم؛ این اثر تألیف محمد مصطفی محمد است.

کتاب، نمایه تحلیلی شده^{۶۳} و مؤلف، کلیه معارف قرآن را در این محورها طبقه‌بندی کرده است: عقاید، وحی، رسالت، قیامت، علم و علماء، ارکان اسلام، دعاها و اذکار، هجرت و جنگها، منہیات، جامعه، معامله، قصص و تاریخ. مؤلف در مقدمه کتاب، ضمن یادآوری تلاش خاورپژوهان در باره قرآن و فهرست‌بندی مطالب آن، گفته است:

«کسانی که در جمع آیات قرآن کارهایی را به انجام رسانده‌اند، مطالب و آیاتی را در جایگاه اصلی و مناسب خود بر اساس روش به کار رفته در کتابهای اسلامی قرار نداده‌اند. به علاوه، ترتیب الفبایی وافی به مقصود نیست. بنابراین، من اقدام به تدوین فهرس موضوعی کردم.»^{۶۴}

۳. معجم الاعلام و الموضوعات فی القرآن الکریم؛ این اثر به کوشش دکتر عبد الصبور

مرزوق تنظیم شده و مطالب آن بر گرفته از آیات قرآن و نمایه‌های عنوانهای بر ساخته مؤلف است. کتاب در سه جلد رحلی تنظیم شده و مؤلف با اشاره به پیشینه معجم نگاری برای قرآن، اشکالات کار ژول لایوم و کارهای مشابه را یاد آور شده و به دلیل ناقص بودن آنها خود اقدام به تدوین این اثر کرده است.^{۶۵} موضوعات این کتاب از خدا و اسما و صفات شروع و با آدم و انبیا ادامه پیدا می‌کند. نمایه‌ها به صورت تک‌واژه و یا ترکیبی ساخته شده، با توضیحی اندک در برخی از مدخلها، آیات همراه با نمایه‌های فرعی آورده شده‌اند. عنوانهای اصلی عبارت‌اند از: الله، انبیا، اعلام غیر انبیا، و موضوعات که به ترتیب الفبا تنظیم شده‌اند.

۴. **المعجم الموضوعی لمعانی الآيات القرآنية**: این اثر نیز، همانند همتایانش در صدد ارائه مطالب و مفاهیم قرآن نه بر اساس الفاظ، بلکه بر اساس موضوع‌شناسی است. نویسندگان این کتاب شش جلدی در مقدمه آن نوشته‌اند: قرآن حاوی موضوعات بی‌شماری است،^{۶۶} و در ادامه توضیح داده‌اند: «قرآن بیش از شش هزار آیه دارد و هر آیه‌ای اگر یک موضوع داشته باشد، بیش از شش هزار موضوع به دست خواهد آمد و آنگاه یاد آوری کرده‌اند که غیر از کتاب ژول لابوم، کتاب دیگر موضوعی برای قرآن تدوین نشده و هر چه انجام گرفته، معجم لفظی بوده است.»^{۶۷}

روش نویسندگان کتاب چنین است که نمایه‌های کتاب در عنوان رأس قرار گرفته و آیات مربوط با هر اشتقاق و ارتباطی در زیر آورده شده و در پایان به تجزیه و توضیح آنها پرداخته شده است. نویسندگان المعجم، حمزة النشرتی، عبد الحفیظ فرغلی، عبدالحمید مصطفی هستند.

۵. **المعجم الموضوعی لآیات القرآن الکریم**: تألیف حسان عبد المنان. مؤلف دلیل خود را برای این کار چنین بیان می‌دارد: «وجود اطلاعات و معارفی در قرآن بر اساس سیاق و تقابل کلمات و عبارتها، مرا به تدوین معجمی واداشت که از عهده معجم لفظی بر نمی‌آید.»^{۶۸} این کتاب، مشابه الفهرس الموضوعی است با این تفاوت که عنوانهای فرعی موضوعات، به ترتیب الفبا آورده شده است. عنوانهای کتاب هم نمایه‌سازی ساده و هم نمایه تحلیلی است.

۶. **اصول العلوم الانسانية من القرآن الکریم**: کتاب، در دو محور سنتهای فطری و متغیر سازماندهی شده و آیات هر یک در زیر عنوانهای مربوط آورده شده است. عنوانهای این معجم که تدوین کننده آن را کشاف موضوعی نام گذاری کرده، از سوی مؤلف ساخته و انتخاب شده‌اند. در پایان این کتاب دو جلدی کشف المطالبی برای موضوعات کتاب تهیه شده که بر ساخته از محتوای آنهاست؛ نه بر اساس الفاظ آیات.^{۶۹}

۷. **تبویب الآيات القرآن**: این اثر دارای چهار جزء است که در یک جلد به چاپ رسیده و در آن، مؤلف نظریات انتقادی خود را در مقدمه، در باره تفصیل الآيات آورده^{۷۰} و سپس به ارائه دیدگاهش در باره تبویب موضوعی قرآن پرداخته است.^{۷۱} وی عناوین انتخابی را برای کتاب عمدتاً بر اساس الفاظ قرآن بر گزیده و نمایه‌هایش را همان واژه‌ها تشکیل داده است. برخی از موضوعات کتاب، عبارت‌اند از: کتابهای آسمانی، قرآن، ملائکه، جن، ابلیس، شیطان، بهشت، جهنم، انسان، ایمان، کفر، شرک، فسق، منافقان و روابط مؤمنان.

۸. **المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم**: این معجم را که آخرین کار از معجم نگاریهای موضوعی در میان مسلمانان عرب زبان برای معرفی معارف قرآن است، محمد بسام با اشراف محمد عدنان سالم به انجام رسانده و حاوی موضوعات قرآن به ترتیب الفباست. در این کتاب، هر موضوع اصلی به ترتیب الفبا آورده شده و موضوعات فرعی نیز، به همان ترتیب با مستندات آیه‌ای

چیده شده است. کتاب در دو جلد رحلی و افزون بر ۱۴۰۰ صفحه است. این مجموعه را می‌توان عصاره همه فرهنگنامه‌ها و معجمهای موضوعی قرآن دانست که قبل از آن نوشته شده‌اند. مؤلف در مقدمه خود بر کتاب، یادآوری کرده است که این معجم تنها به جمع آوری آیات مربوط به یک موضوع، بسنده نکرده، بلکه اقدام به تقسیم‌بندی آیات به مباحث ریز نموده و برای هر یک از مباحث عنوانی مناسب انتخاب کرده است. وی کتابش را به دلیل ارائه طرحی نو در اطلاع‌رسانی موضوعات و مباحث قرآن قابل قیاس با سایر معجمها نمی‌داند.^{۷۲}

در نمایه‌سازی منابع دینی، به منابع و متون اصلی بسنده نشده و تفاسیر و برداشت از آیات نیز، در دستور کار قرار گرفته است. در حال حاضر تعدادی از تفاسیر قرآن نمایه‌سازی و چاپ شده‌اند که تعدادی از آنها معرفی می‌شوند.

۹. **تفسیر راهنما**؛ از جمله کارهای ارزشمند در زمینه اطلاع‌رسانی از مفاهیم و معارف قرآن کریم، تلاشی است که در تفسیر راهنما انجام گرفته است. تفسیر راهنما در نوع خود، اوج فعالیت‌های اطلاع‌رسانی در زمینه قرآن به شمار می‌رود. در این تفسیر، آیات قرآن از آغاز تا پایان یک‌یک به شیوه‌ای ویژه فیش‌برداری شده و هر مطلب قابل استفاده‌ای از آیه‌ها، جداگانه نوشته شده و آنگاه نمایه‌سازی شده و در ذیل فیشها ثبت گردیده است. اساس این اقدام در دهه پنجاه (۱۳۵۴) از سوی جناب آقای هاشمی رفسنجانی بنیان‌گذاری شده است.

وی ابتدا تمام قرآن را فیش‌برداری کرده و به صورت فیشهای کوتاه یادداشت می‌کند. یادداشتهای یادشده در سال ۱۳۶۶ به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم واگذار می‌شود و گروهی آنها را اساس کار خود قرار می‌دهند و بار دیگر با همان روش، قرآن را از آغاز تا پایان با در دستور کار قرار دادن تعدادی از تفاسیر، فیش‌برداری و یادداشت می‌کنند. یادداشتهای کنترل شده و در یک مرحله نمایه‌سازی می‌شود.

نمایه‌سازی انجام گرفته در تفسیر راهنما، نه بر اساس آیات، بلکه بر اساس برداشتهاست. برداشتهای انجام گرفته، به صورت میانگین از هر آیه در قرآن شش برداشت است که متوسط آنها با ۶۲۳۲ آیه، ۳۷۳۹۲ برداشت می‌شود. از این تعداد برداشت به طور میانگین سه نمایه هم ساخته و برداشتهای بالغ بر یک صد هزار می‌شود. البته، تعدادی از این نمایه‌ها و فیشها تکراری هستند و از حجم یاد شده کاسته می‌شود. تاکنون هیجده جلد این اثر به چاپ رسیده و دو جلد دیگر در آستانه انتشار است.

۱۰. **فرهنگ موضوعی تفاسیر**؛ این فرهنگنامه حاوی نمایه‌های بیست دوره تفسیر متنوع از تفاسیر شیعی و اهل سنت است که در سه جلد منتشر شده است. دامنه این فرهنگ، نمایه‌سازی آن دسته از اطلاعاتی است که مفسران در تفسیرهایشان به مناسبت و به صورت استطرادی آورده‌اند. در این کتاب به همه مطالب نوشته شده در تفاسیر یاد شده پرداخته نشده است؛ یعنی در آنجایی که

خوانندگان خود احتمال می‌دهند که مفسر چه مطالبی را در ذیل چه آیه‌ای برای تفسیر آورده، از دستور کار خارج کرده و تنها آن دسته از مطالب تفاسیر نمایه شده که به صورت ضمیمه و تکمله مباحث تفسیری است.

نظام چینش نمایه کتاب، الفبایی موضوعی است که در آن از ارجاع هم استفاده شده است. در این کتاب موضوعات و اعلام و اماکن در یک جا و در کنار هم و بدون تفکیک چیده شده‌اند. هر عنوان و مدخل اصلی با حروف درشت‌تر در ردیف خود آورده شده و اطلاعات ذیل آنها به ترتیب الفبا آمده‌اند. مشخصات تفاسیر نمایه شده و روش کار نمایه‌سازان در مقدمه کتاب آمده است. این کتاب در مرکز فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم سامان یافته و محققان آن مرکز آن را نمایه‌سازی و تدوین کرده‌اند. چاپ این اثر از سوی بوستان کتاب، در سال ۱۳۸۲ش. صورت گرفته است.

۱۱. **مفتاح کنوز فی ظلال القرآن**؛ از جمله نمایه‌سازی تفاسیر که بر اساس متن تفسیر انجام شده، فی ظلال القرآن است. محمد یوسف عباس، نمایه‌ساز تفسیر سید قطب، نمایه‌ها و یا به تعبیر ساده‌تر و مشهورتر، فهرست جامعی از مطالب پراکنده در این تفسیر را فراهم آورده است. این نمایه‌ها یک بار بر اساس تفسیر سوره‌ها و به ترتیب قرآن نمایه‌سازی شده^{۳۴} و یک بار هم به صورت الفبایی است که از ۱۹۹ تا ۴۵۱ کتاب را به خود اختصاص داده است.^{۳۵}

معجم‌های حدیث

کتابهای حدیثی نیز، به مثابه منبع مهم دینی و میراث عظیم اسلامی، کم و بیش در دستور کار فهرست‌نگاری و نمایه‌سازی و معجم‌سازی قرار گرفته برخی از این منابع نیز، همراه با نمایه چاپ شده است. نمونه‌ای از آنها عبارت‌اند از:

۱. **الکشاف الموضوعی لاحادیث صحیح البخاری**؛ این کتاب، هر چند ناظر به الفاظ و واژه‌های احادیث است، اما مؤلف کوشش زیادی به کار برده تا موضوعات گویاتری از دل احادیث استخراج کرده و در اختیار کاربران قرار دهد. وی در تشریح انگیزه خود از تدوین کتاب، و اینکه موضوع نگاری احادیث از اهمیت بالایی برخوردار است، نوشته است:

«دوران معجم‌نگاری موضوعی فرا رسیده است تا جست‌وجوگران برای یافتن احادیث مورد نظر خود از طریق آنها اقدام کنند.»

وی همچنین در باره اینکه معجم لفظی تا چه اندازه کاربرد دارد، یادآوری کرده است:

«یافتن احادیث از طریق معجم لفظی در صورتی میسر است که جوینده، از کلمات حدیث چیزی را به یاد داشته باشد و گرنه یافتن آن غیر مقدور خواهد بود.»^{۳۶}

همچنین در مقدمه در باره چگونگی تدوین کتاب نوشته است:

«روش من در انتخاب عنوانها، استقرای نص حدیث به پیروی از قواعد و اصول مدخل‌گزینی بوده است. من سعی کرده‌ام از واژه‌هایی بهره بگیرم که میان معجم‌نگاران متداول است و یا مراجعه کنندگان در پی به دست آوردن آنهایند. در صورتی که از مدخلی غیر موجود در احادیث استفاده کرده‌ام، ارتباط آن را با کلمات به کار رفته در حدیث باز گفته‌ام».^{۷۷}

همان گونه که از این نوشته برمی‌آید، نمایه‌های احادیث که در این کتاب به کار برده شده‌اند، جمله‌ای از واژه‌های حدیث نیستند و نمایه‌های انتزاعی و برداشتی نیز در آنها وجود دارد. عنوانهای اصلی و فرعی کتاب بر اساس الفبا تنظیم شده و افزون بر دو هزار مدخل است.

۲. **مفتاح معجم المفهرس لألفاظ الحدیث النبوی**؛ این کتاب، کلید المعجم لالفاظ الحدیث النبوی است. المعجم المفهرس، کتابی است که کلیه احادیث نبوی را از صحاح ششگانه استخراج و به ترتیب الفبا مرتب کرده و به مأخذ ارجاع داده است. ونسنگ (مؤلف) آن را به زبان فرانسه تدوین کرده و دکتر احمد طیب آن را به عربی ترجمه کرده است.^{۷۸} مؤلف، احادیث را بر اساس برداشتهایش، نمایه و عنوان‌بندی کرده و احادیث را در زیر عنوان انتخابی قرار داده است. کتاب به گونه‌ای تنظیم شده که به اطلاعات درخواستی جواب بدهد. عنوانها از «أحاد» شروع می‌شود که در باره امثال خبر واحد و خبر زن است. عنوان بعدی «أداب» است که در زیر آن، کنیه گرفتن به ابوالقاسم، نام‌گذاری با نام زشت، اجازه گرفتن، نگاه به منزل دیگران و مباحثی از این دست آمده است.^{۷۹} و همین‌طور برای نمونه کل مباحث پزشکی موجود در احادیث نبوی در زیر عنوان الطب، آورده شده‌اند.^{۸۰} مؤلف **مفتاح معجم المفهرس** در مقدمه، هدف خود را از تدوین آن چنین تشریح کرده است:

«اندیشیدم که راهکاری بیایم که آسان‌یاب باشد و پژوهشگر را از کوتاه‌ترین راه به مقصد برساند».^{۸۱}

۳. **المعجم الموضوعی لأبواب الوسائل و المستدرک**؛ این معجم عمدتاً بر پایه الفاظ برگرفته از احادیث در چند محور کلی طبقه‌بندی شده است. مؤلف همه مطالب این دو کتاب را، در محورهای نجاست و طهارت، عبادت، نظافت، خانواده، تولید، توزیع، مصرف، حکومت، تعهدات و اخلاق تبویب کرده و مباحث مربوط به هریک از آنها را در زیر آنها قرار داده است. نویسنده این اثر مصطفی پاینده و ناشر آن سازمان تبلیغات اسلامی است.

۴. **خورشید بی غروب نهج البلاغه**؛ مؤلف این اثر، عبدالمجید معادیخواه است که معارف قرآن را نیز، نمایه‌سازی و در یک کتاب به علاقه‌مندان عرضه کرده است. او کتابی با نام فرهنگ **آفتاب**، در ده جلد از نهج البلاغه فراهم آورد که شامل طبقه‌بندی موضوعی است. مؤلف در این اثر، از روش فرهنگ‌نگاری با نمایه‌سازی و ایجاد سیستم ارجاعات، تعداد زیادی مدخل فراهم کرده و در زیر هر مدخل مطلب مربوط را بر اساس برداشت خود از متن نهج البلاغه آورده است. این اثر در تهران از سوی نشر ذره در ۱۳۷۲ چاپ و منتشر شده است او همان نمایه‌ها را در ترجمه خود از نهج البلاغه نیز،

سامان داده و آن را با نام خورشید بی غروب نهج البلاغه، به چاپ رسانده است. با این ویژگی که تنها نمایه‌ها و فهرست‌ها در این کتاب ردیف شده‌اند و به خطبه‌ها و نامه و کلمات قصار ارجاع گردیده‌اند. نمایه کتاب از «آب» شروع می‌شود و با «آبادانی» و «آبرو» و «آتش» ادامه پیدا می‌کند و به ترتیب الفبا، با «یمن» و «یهود» خاتمه می‌یابد.^{۸۲} مؤلف، تلاش کرده است آنچه که در توان داشته از مفاهیم استخراج و سیاه‌نگاری کند، در یک جمع‌بندی کل اطلاعات نمایه شده را در محورهای کلام، فلسفه، جهان بینی و آداب، اخلاق و فرهنگ و سیاست و اقتصاد و فقه و حقوق و تاریخ اسلام گرد آورده تا بدین وسیله راهنمایی برای کاربران بسازد.^{۸۳}

۵. **المعجم الموضوعی لنهج البلاغة**: کتاب، حاوی ششصد موضوع است و بنا به تصریح مؤلف، بر اساس مباحث اسلامی تنظیم شده است. از عنوانهای آن استفاده می‌شود که مؤلف موضوعات نهج البلاغه را در موضوعاتی محدود نمایه تحلیلی کرده است. عقل، علم، اسلام و ایمان و شرک و کفر، قرآن و سنت، اصول دین، عبادات، تقوا، خوف و رجا، توبه، دعا، زهد، موعظه و پند، امر به معروف نهی از منکر، جهاد، حاکم اسلامی، اقتصاد، تهذیب، اخلاق، خانواده، دوستی، تاریخ، قضاوت و متفرقات، عنوانهای اصلی این معجم هستند.

۶. **الدلیل علی موضوعات نهج البلاغة**: کتاب که ۱۱۱۰ صفحه دارد در موضوع اصلی ترتیب داده شده و هر یک از موضوعات نیز، عنوانهایی دارند. موضوعات اصلی کتاب عبارت‌اند از: الاهیات، نبوت، عقاید و احکام، امامت و خلافت، تاریخ، اجتماع و سیاست و اقتصاد، و اخلاق. کتاب را علی انصاری به سامان کرده و در ۱۳۵۷ منتشر شده است.

۷. **الدلیل الی موضوعات الصحیفة السجادیة**: مؤلف کتاب، فارغ از واژه‌ها و الفاظ موجود در صحیفة سجادیة، به بررسی آن پرداخته و هر آنچه را که به عنوان موضوعی قابل طرح یافته، گرد آورده و در ابوابی طبقه‌بندی کرده است. عنوانهای مباحث را که وی برگزیده، عبارت‌اند از: توحید، نبوت، امامت، معاد، اسلام، ملائکه، اخلاق، طاعات، ذکر و دعا، سیاست، اقتصاد، انسان، هستی، جامعه، علم، زمان، تاریخ، سلامتی و مباحث نظامی. این عنوانها همان‌طور که مشاهده می‌شود، نمایه‌هایی است که مؤلف ساخته و هیچ‌یک با این عنوان در صحیفة نیست. مباحث زیر هر یک از عنوانها هم همانند خود عنوانها تابع هیچ مشخصه‌ای نیست و نویسنده سلیقه‌ای عمل کرده است.

۸. **نمایه‌نامه موضوعی «یا فرهنگ موضوعی» صحیفة سجادیة**: تألیف مصطفی درایتی با همکاری عباسعلی علیزاده و سید موسی صدر و احمد درایتی. این نمایه‌نامه، به زبان عربی و با معادل‌های فارسی و همراه با متن عربی صحیفة سجادیة است. نمایه‌های صحیفة به ترتیب الفبایی موضوعی و در عربی «الآباء» آغاز شده و در «یونس» پایان یافته است. نمایه‌های معادل فارسی آن با «آیین» شروع و با «یگانگی» به انجام رسیده است. جلد دوم آن را معجم الفاظ صحیفة تشکیل

می‌دهد با عنوان المعجم المفهرس لألفاظ الصحیفة السجادیة الجامعة. روش معجم مفهرس به سبک رایج معجم‌نگاری و مشابه المعجم المفهرس لألفاظ القرآن، محمد فؤاد عبدالباقی است. این اثر از سوی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران در دو جلد و در ۷۴۰ و ۶۳۷ صفحه به سال ۱۳۷۷ش منتشر شده است.

پی‌نوشتها:

۱. لغت‌نامه دهخدا.
۲. اصطلاح‌نامه کتابداری، پوری سلطانی و فروردین راستینی، ۴۲۸.
۳. نک: نمایه‌های مدارک غیر کتابی موجود مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
۴. همان.
۵. نک: نمایه‌های دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس قرآن و حدیث و تاریخ، محمد مرادی.
۶. نک: صحیفة امام، ج ۲۲.
۷. نک: مرجع ۷۸، پارسا.
۸. البرهان، زرکشی، ج ۱، ص ۱۰۴.
۹. اطلاعات‌سانی، ص ۲۱-۲۲.
۱۰. برای نمونه، مقایسه کنید میان تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة، تألیف شیخ طوسی و وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تألیف شیخ حر عاملی.
۱۱. نک: الاتقان، ج ۱، ص ۳۶: المکی والمدنی، حسین عبدالرزاق، ج ۱.
۱۲. نک: کافی، ج ۷، ص ۳۳۱ و ۳۳۲: من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱۳: تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۶۳.
۱۳. فهرس الکتاب، مقدمه.
۱۴. قاموس کتاب مقدس، جیمز هاکس، ص ۴.
۱۵. همان، مقدمه، ص ۲.
۱۶. معجم اللاهوت، دوفور، مقدمه، ص ۹.
۱۷. همان، مقدمه، ص ۹.
۱۸. همان، مقدمه، ص ۱۲ و ۱۳.
۱۹. کشف الآیات، علیرضا ملک‌زاده.
۲۰. صبری، خلیل‌الله.
۲۱. برای نمونه، نک: قرآن مترجم به خط غلامحسین بن ملا محمد خوانساری.
۲۲. محیی‌الدین عطیة.
۲۳. نک: مرآت الآیات یا راهنمای مطالب قرآن، ابوالفضل رضوی برقمی.
۲۴. نک: رامیار، محمود.
۲۵. نک: محمد بسام.
۲۶. نمایه‌سازی گردان به نمایه‌سازی‌ای اطلاق می‌شود که نمایه‌ساز بر اساس اصطلاحنامه و نظامی از پیش تعیین شده، نمایه‌سازی نمی‌کند، بلکه واژه‌های موجود در یک مدرک به هر شکل که باشد نمایه‌سازی آزاد می‌شود.
۲۷. احمد ابراهیم مهنا.
۲۸. محمد زکی صالح.

۲۹. محمد فؤاد عبدالباقی.
۳۰. قرآن مجید به انضمام نجوم الفرقان کشف الآيات با ترجمه محمد دبیر سیاقی.
۳۱. نک: تفصیل الآيات القرآن الکریم، محمد فؤاد عبدالباقی.
۳۲. نک: پایان قرآن چاپ حاجی صمصام الملک.
۳۳. اهتمام ایرانیان به قرآن، سید یاسر ایازی، ۲۶۲.
۳۴. همان، ۲۷۲.
۳۵. همان، ۲۸۱.
۳۶. همان، ۲۹۵-۲۹۶.
۳۷. همان، ۳۰۵.
۳۸. همان، ۳۰۸.
۳۹. همان، ۳۱۷.
۴۰. همان، ۳۲۲.
۴۱. همان.
۴۲. نک: صفحات پایانی قرآن یاد شده.
۴۳. نک: صفحات ۶۲۶ تا پایان جلد اول و ۱۱۸۰-۱۱۸۴ جلد دوم.
۴۴. نک: ص ۵۱۲ و ۵۱۴.
۴۵. نک: ص ۵۳۳-۵۹۴.
۴۶. ص ۵۹۴.
۴۷. ص ۵۳۲.
۴۸. دیباچه مصحح، ص ۴.
۴۹. کشف المطالب قرآن مجید، مهدی مستشاری، ص ۵.
۵۰. طبقات آیات، خلیل الله صبری، ص د.
۵۱. همان، ص ۵.
۵۲. قرآن کریم، ترجمه محمد کاظم معزی، ص ۳۷۸.
۵۳. نک: فرهنگ موضوعی قرآن؛ الآخرة.
۵۴. همان، ص چهار.
۵۵. همان، چهار و پنج.
۵۶. همان، ص شش.
۵۷. نک: فروغ بی پایان، ص ۸۵۷-۸۵۴.
۵۸. نک: فروغ بی پایان، ص ۸۵۷-۸۵۹.
۵۹. فروغ بی پایان، ص ۲۵-۲۷.
۶۰. همان، ۲۷-۲۹.
۶۱. نک: فرهنگ قرآن، ج ۱، ص ۳۹۴-۴۱۷.
۶۲. نک: المعجم الموضوعی لآيات القرآن الکریم، صبحی عبدالرؤف عصر.
۶۳. نمایه تحلیلی، به نمایه سازی ای گفته می شود که به جای مرتب کردن الفبایی اسامی و دیگر مطالب، عنوانهای کلی انتخاب می شود و کلیه مطالب در زیر آن عنوانها آورده می شود (اصطلاحنامه کتابداری، ص ۳۱۶). الفهرس الموضوعی لآيات القرآن الکریم، محمد مصطفی محمد، ص ۵۳۱-۵۵۵.
۶۴. الفهرس الموضوعی لآيات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۹.
۶۵. معجم الاعلام والموضوعات فی القرآن الکریم، ج ۱، ص ۶ و ۷.

۶۶. المعجم الموضوعی لمعانی الآيات القرآنية، حمزة النشترتی و... ج ۱، ص ۷.
۶۷. همان، ص ۸.
۶۸. المعجم الموضوعی لآیات القرآن الکریم، حسان عبدالمنان، ص ۸-۱۰.
۶۹. نک: اصول العلوم الانسانية من القرآن الکریم، زینب عطیة.
۷۰. تبویب الآيات القرآن، احمد ابراهیم مهنأ، ص ۱۱.
۷۱. همان، ۱۱-۶۵.
۷۲. المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظيم، محمد بسام رشدي الزین، ج ۱، ص ۹.
۷۳. تفسیر راهنما، ج ۱، مقدمه چاپ اول، ص ۱۱-۱۲.
۷۴. نک: مفتاح کنوز فی ظلال القرآن، محمد یوسف عباسی، ص ۱۳-۱۹۶.
۷۵. همان.
۷۶. الکشاف الموضوعی لاحادیث صحیح البخاری، محیی الدین عطیة، ص ۷.
۷۷. همان، ص ۱۱.
۷۸. المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، ا. ی. ونسنگ، ج ۱، ص ۵-۹.
۷۹. مفتاح معجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، مأمون صاغرچی، ص ۱۹.
۸۰. همان، ص ۲۵۰-۲۵۱.
۸۱. همان، ص ۱۳.
۸۲. نک: خورشید بی‌غروب نهج البلاغه، صفحات فهرست.
۸۳. همان، ۳۳۵-۳۳۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی